

مطالعه تطبیقی تابعیت اکتسابی: درس‌هایی برای قانون‌گذار ایرانی

علیرضا ابراهیم‌گل^{۱*}، سیدمحسن حکمتی مقدم^۲

۱. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۵)

چکیده

اعطای تابعیت می‌تواند یکی از روش‌های جذب نیروی انسانی مستعد و شایسته برای به‌کارگیری در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد. اعطای تابعیت در کنار شرایط دیگر می‌تواند نقشی مهم در این فرایند ایفا کند. شرایط اعطای تابعیت بر اساس این مقررات باید طوری باشد که نتیجه آن جذب اشخاص توانمند، مفید و علاقمند به کشوری باشد که متقاضی، تابعیت آن را درخواست می‌کند. به علاوه، دارندگان این تابعیت پس از تحصیل آن باید حقوق و مزایایی داشته باشند که نتیجه آن جذب هر چه بیشتر دارنده این عنوان در کشوری باشد که تابعیت آن را کسب کرده‌اند، به طوری که دارنده آن، احساس بیگانگی از آن جامعه نکرده و تفاوت زیادی میان خود و دارندگان تابعیت اصلی احساس نکند. کشورهایی که در این زمینه موفق بوده‌اند، از جمله ایالات متحده آمریکا و کانادا، قوانینی وضع کرده‌اند که به هر دوی این شرایط توجه کرده است. مقررات قانون مدنی ایران در زمینه تحصیل تابعیت، شرایطی مطلوب را از این حیث ندارد و نمی‌تواند در تحقق هدف یادشده، نقش‌آفرینی کند. لذا پیشنهاد می‌شود بازنگری شود.

کلیدواژگان

آثار کسب تابعیت، تحصیل تابعیت، کسب تابعیت در امریکا و کانادا، کسب تابعیت در ایران.

* نویسنده مسئول، رایانامه: a.r.ebrahimgol@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از سازوکارهای رشد و توسعه هر کشور بهره‌گیری از توان نخبگان خارجی از طریق اعطای تابعیت به آن‌ها است. امروزه پدیده چندتابعیتی شایع است، مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان با تصویب قوانین کارآمدی را جذب کرد که می‌تواند برای جامعه ایرانی مفید باشند؟ پرواضح است در جهان کنونی که همه کشورها به انحای مختلف سعی در جذب بهترین و مفیدترین افراد دارند، مطلوبیت مقررات تحصیل تابعیت نقشی بسزا در جلب نظر چنین اشخاصی دارد،^۱ و به‌طور خاص درباره حقوق ایران آیا مواد ۹۷۹ و ۹۸۰ قانون مدنی که شرایطی را برای تحصیل تابعیت ایرانی بیان کرده‌اند و ماده ۹۸۲ آن که درباره آثار تحصیل تابعیت است، می‌توانند در نیل به این هدف کمک کنند؟

مقاله حاضر در پی بررسی، تطبیق و مقایسه مقررات راجع به تحصیل تابعیت ایران و آثار ناشی از آن با دو نمونه از کشورهای مطرح در زمینه مهاجرپذیری یعنی ایالات متحده آمریکا و کانادا است تا ضمن تشریح نقاط قوت، کاستی‌ها و ضعف‌های هر یک، راهکارهایی را جهت ارتقای مقررات ایرانی در این زمینه به قانون‌گذار ایرانی پیشنهاد دهد.

مبحث اول: اشکال و شرایط تحصیل تابعیت

سیستم‌های حقوقی در بروز تفاوت‌های شرایط کسب تابعیت مؤثرند. سیستم‌های حقوقی مبتنی بر عامل خون یا خویشاوندی، مقررات نسبتاً سختگیرانه‌تری نسبت به سیستم‌های مبتنی بر خاک یا سرزمین اعمال می‌کنند. نمونه کاملی از موارد یادشده را می‌توان درباره دو کشور ایران و ایالات متحده مشاهده کرد. در اعطای تابعیت به بیگانگان توسط دولت ایران، شرایط محتاط‌تری مقرر

۱. شایان ذکر است در این راستا مجموعه عوامل مختلف و متنوع دیگری مانند شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره نیز دخالت دارد و هر یک به سهم خود در این موضوع دخیل‌اند، که پرداختن به این موارد، خارج از بحث مقاله حاضر است.

شده است، ولی کشور آمریکا، از عامل کسب تابعیت به عنوان عنصری در راستای منافع خود از جمله پیشرفت و قدرتمندی، استفاده‌ای بهینه می‌کند (نونهال، ۱۳۸۹، ص ۷۳).

یکی از اصول اولی فرد تابعیت کشوری دیگر را داشته باشد و تقاضای تحصیل تابعیت را کند، یا اینکه بدون تابعیت باشد و چنین درخواستی را مطرح کند.

نظر به اینکه دولت‌ها اصولاً نسبت به تغییر تابعیت اتباع خود حساسند، ممکن است فقط به تعداد معینی از اتباع خود در طول سال اجازه ترک تابعیت بدهند (شرط کمی)، یا هیئت وزرا، یا عالی‌ترین مقامات حکومتی خود را مأمور نظارت، کنترل و مرجع اجازه تغییر تابعیت اتباع خود کنند. یا اینکه برای تغییر تابعیت اتباع خود شرایط و مقررات معینی را وضع کنند. برای مثال، اجازه خروج از تابعیت را به زمانی معین موکول کرده، یا سنی خاص را برای این کار شرط کنند، مانند قانون مدنی ایران (ماده ۹۸۸) که سن ۲۵ سال را برای ترک تابعیت شرط لازم می‌داند (شرط زمانی)، یا ممکن است ترک تابعیت اتباع خود را موکول به انجام‌دادن تعهدات قانونی آنان مثل انجام‌دادن خدمت نظام وظیفه کند (شرط فعلی) (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴).

در تغییر غیرارادی تابعیت اراده فرد هیچ نقشی در کسب تابعیت جدیدش ندارد. این نوع از تغییر تابعیت در نتیجه عواملی گوناگون می‌تواند حاصل شود که از جمله آنها می‌توان به جدایی بخشی از قلمرو یک دولت و انضمام آن به سرزمین دولت دیگر و همچنین، ازدواج نام برد.

موضوع بحث مقاله حاضر تغییر ارادی تابعیت از طریق اعطای تابعیت است که طی آن شخص باید از دولتی که تمایل دارد تبعه آنجا شود، تقاضای اعطای تابعیت کند. در ادامه، با تشریح قوانین ایالات متحده آمریکا و کانادا، و بررسی نقاط قوت آنها، رهنمودهایی را برای اصلاح قوانین ایران بیان می‌کنیم.

شرایط تحصیل تابعیت کانادا^۱

پیشینه مقررات تابعیت کانادا به سال‌ها قبل و زمانی باز می‌گردد که موج مهاجرت به سوی این کشور در جهت رشد اقتصادی جریان داشته است و در مقرراتی مختلف بیان شده است، مانند قانون اساسی ۱۸۶۷ با عنوان قانون آمریکای شمالی بریتانیا در ۲۰ مارس ۱۸۶۷، قانون تابعیت کانادا ۱۹۴۶ و اصلاح آن در ۱۵ فوریه ۱۹۷۷، الحاق ضمیمه ب به فصل یازده قانون اساسی، قانون ۱۹۸۲ که دربردارنده منشور حقوق و آزادی‌ها و مقررات جدید بود (غفاریون اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۴۵). آخرین اصلاحات قوانین تابعیت کانادا مربوط به سال ۲۰۱۴ است، که به نظر می‌رسد شرایط را برای مهاجرت و اکتساب تابعیت کانادایی سخت‌تر کرده است.^۲

شرایط ماهوی اعطای تابعیت کانادایی

بر اساس این قانون، شرایط ماهوی اعطای تابعیت کانادایی عبارت است از اینکه سن متقاضی باید ۱۸ سال یا بیشتر باشد، متقاضی باید مقیم دائم کانادا باشد (در این اقامت شک و تردیدی وجود نداشته باشد، بدین معنی که وضعیت اقامتی فرد در دست بررسی مجدد یا مشروط به احراز شرط خاص و یا متقاضی موضوع حکم اخراج نباشد)، به مدت سه سال قبل از چهار سالی که تقاضای تابعیت داده است در کانادا ساکن باشد (در مجموع باید هفت سال در کانادا اقامت داشته باشد)، از حقوق و وظایف شهروندان کانادایی مطلع باشد، و اگر هم در کانادا زندانی شده باشد و تعداد روزهای زندانی شدن وی را از مدت اقامت وی کم کنیم، همچنان، حداقل ۱۰۹۵ روز طی چهار

۱. با توجه به اینکه رابطه تابعیت در حوزه حقوق عمومی برقرار می‌شود و اعطای آن یک‌طرفه و از سوی دولت‌ها و حاکمیت‌هاست، ماهیت سیاسی دارد و بنا به مصالح ملی و بدون در نظر گرفتن حقی برای اشخاص اعطا می‌شود. حال که اصل اعطای تابعیت امری حاکمیتی محسوب می‌شود به طریق اولی شرایط تحصیل این امر نیز در انحصار دولت اعطاکننده است و هر دولتی با توجه به عواملی مختلف مانند مقتضیات سرزمینی این شرایط را معین می‌کنند. درست است که نمی‌توان همه این شرایط را از کشورهای دیگر الگو برداری کرد، برخی از شرایطی که آن‌ها وضع می‌کنند صرف نظر از اوضاع و احوال هر کشور می‌توانند راهنمای کشورهای دیگر در وضع و اصلاح قواعد تابعیت باشد.

2. <http://www.parl.gc.ca/HousePublications/Publication.aspx?DocId=6410225&File=9>.

سال گذشته در کانادا باشد، اگر در کانادا محکوم یا زندانی شده باشد، جرم او در حدی نباشد که نتواند تبعه کانادا شود، شرایطی که به ابطال اقامت دائم منجر می‌شود درباره وی صدق نکند. همچنین، عاملی دیگر که در قانون تابعیت کانادا مورد توجه قرار گرفته است، سلامت و بهداشت متقاضی تابعیت است. به این صورت که اگر احتمال داده شود حضور فرد متقاضی باعث ایجاد خطرهایی برای سلامتی، بهداشت و ایمنی جامعه کانادایی می‌شود، از پذیرش او جلوگیری به عمل می‌آید. به علاوه اگر به طریق متعارفی ثابت شود که فرد به سطحی بسیار بالا از خدمات بهداشتی و اجتماعی نیاز دارد، با پذیرش او مخالفت می‌شود.

شرایط شکلی اعطای تابعیت کانادایی

دو قطعه عکس؛ کپی صفحه اول پاسپورت یا شناسنامه (که حاوی این موارد باشد: اسم، عکس، شماره پاسپورت یا شناسنامه، تاریخ صدور و انقضا)؛ کپی پشت و رو دو عدد کارت شناسایی که یکی از آن‌ها عکس‌دار باشد؛ کپی همه مدارک تحصیلی؛ مدارک مربوط به مدت اقامت کافی یا تأییدیه‌ای بر داشتن اقامت دائم و ارائه کارت اقامت دائم؛ مدرک آگاهی و تسلط بر زبان انگلیسی یا فرانسوی (برای افراد ۱۸ تا ۵۴ سال)؛ رسید پرداخت هزینه‌های اعطای تابعیت (برای بزرگسالان ۴۰۰ دلار کانادا و افراد زیر ۱۸ سال ۱۰۰ دلار کانادا)؛ متقاضی باید اطلاعاتی از کانادا داشته باشد (امتحان پذیرش قسمتی از مراحل تقاضا تلقی می‌شود و این امتحان بین متقاضیان سنین ۱۸ تا ۵۹ سال اجرا می‌شود).

پس از قبولی در امتحان، هر فرد متقاضی بالای چهارده سال باید در مراسمی خاص که برای اعطای تابعیت برگزار می‌شود، شرکت کند. در این مراسم افراد پس از ادای مراسم سوگند شهروندی رسماً شهروند کانادا شناخته می‌شوند.^۱

۱. سایت رسمی دولت کانادا، به آدرس

شرایط تحصیل تابعیت ایالات متحده آمریکا

آمارهای رسمی منتشرشده از سوی وزارت امنیت داخلی آمریکا^۱ نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳، بیش از دو میلیون نفر آسیایی، بیش از نیم میلیون نفر آفریقایی و نزدیک به هفتصد هزار نفر اروپایی به تابعیت ایالات متحده آمریکا پذیرفته شده‌اند. نکته شایان توجه و تکان‌دهنده این است که از این میزان، سهم ایرانیان نزدیک به هشتاد هزار نفر است و ایرانیان همیشه جزء چند کشور اول دنیا در کسب تابعیت آمریکایی بوده‌اند.^۲

شرایط ماهوی اعطای تابعیت ایالات متحده آمریکا

بر اساس قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده آمریکا^۳ شرایط ماهوی اعطای تابعیت این کشور عبارت است از اینکه متقاضی هجده سال سن داشته باشد؛ اقامت دائم آمریکا داشته باشد؛ حداقل پنج سال از تاریخ تقاضای تابعیت، در این کشور اقامت قانونی داشته باشد (مدت زمان اقامت (پنج سال) برای افراد زیر به سه سال تقلیل می‌یابد: کسانی که با اتباع آمریکایی ازدواج کرده و سه سال قبل از تقاضا، به عنوان تبعه آمریکا محسوب شده باشد)؛ متقاضی باید صلاحیت اخلاقی داشته باشد؛ همچنین، چنانچه متقاضی در نیروهای مسلح ایالات متحده خدمت کرده یا عضویت داشته باشد، از شرایط اعطای تابعیت است.^۴

به علاوه، هر فرد خارجی که طبق قواعد و مقررات وزارت خدمات بهداشتی و مردمی، به یک

1. Department of Homeland Security

2. U.S. Department of Homeland Security, N-400 naturalization data for persons aged 18 and over, Fiscal Years 2008 to 2013.

3. U.S Immigration and Nationality Act, 1990.

۴. طی یازده سال گذشته حدود ۹۲۰۰۰ تن از طریق خدمات در ارتش آمریکا تابعیت ایالات متحده را، سریع‌تر از روال معمول، به دست آورده‌اند. اداره شهروندی و مهاجرت آمریکا امسال به ۸۰۰۰ نظامی، از کشورهای مختلف جهان از جمله افغانستان، تابعیت آمریکا را اعطا کرده است. یازدهم سپتامبر ۲۰۰۲ جورج بوش، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا در فرمانی اعلام کرد: «هر فردی که حتی یک روز هم در صفوف قوای نظامی ایالات متحده آمریکا خدمت نموده باشد، می‌تواند تقاضای شهروندی ایالات متحده را نماید».

بیماری واگیردار و خطرناک برای سلامت عمومی مبتلا باشد؛ کسی که دارای اختلال فکری و جسمی باشند که ممکن است تهدیدی علیه جان و مال و آسایش افراد دیگر شود؛ کسانی که اعتیاد به هر نوع مواد مخدر داشته باشند.

شرایط شکلی اعطای تابعیت ایالات متحده آمریکا

دو قطعه عکس؛ کپی دو طرف کارت اقامت دائم؛ رسید پرداخت هزینه‌های درخواست و انگشت‌نگاری (افراد بالای ۷۵ سال از انگشت‌نگاری معافند)؛ مدارک همسر و فرزندان؛ سابقه جرایم و محکومیت‌ها و حتی اتهامات ثابت‌نشده؛ موفقیت در آزمون زبان انگلیسی (شامل خواندن، نوشتن، حرف‌زدن)؛ موفقیت در امتحان مربوط به تاریخ و حکومت آمریکا؛ در مصاحبه حضوری از متقاضی تابعیت ده سؤال خواهد شد که باید حداقل به شش سؤال آن پاسخ صحیح بدهد.^۱

شرایط تحصیل تابعیت ایران

شرایط ماهوی اعطای تابعیت ایران

شرایط ماهوی اعطای تابعیت ایران براساس ماده ۹۷۹ قانون مدنی عبارت‌اند از:

ماده ۹۷۹ ق.م. با شرایط ذیل، تحصیل تابعیت ایران را برای خارجی‌ان مجاز می‌داند:

اهلیت. متقاضی، ۱۸ سال تمام سن داشته باشد. با اینکه در ایران احوال شخصیه، تابع قانون دولت متبوع شخص است و اهلیت نیز جزء احوال شخصیه است، قانون ایران استثنائاً در این موقعیت به سن بزرگسالی در کشور خارجی توجه نداشته است، حتی به سن بزرگسالی در ایران نیز اکتفا نمی‌کند و فقط در صورتی که هجده سال شخص تمام شده باشد، وی را از نظر سنی واجد شرایط تحصیل تابعیت می‌داند. بنابراین، در صورتی که پیش از رسیدن به سن هجده سال، حکم رشد گرفته باشد، نمی‌تواند به تابعیت ایران درآید (ارفع‌نیا، ۱۳۷۴، ص ۹۸).

اقامت. بند ۲ ماده ۹۷۹ ق.م. سکونت پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران را برای

۱. سایت رسمی خدمات شهروندی و مهاجرت ایالات متحده آمریکا، به آدرس

تحصیل تابعیت شرط کرده است. شرط اقامت در ایران بدین منظور پیش‌بینی شده است، تا فرد متقاضی از کشوری که خواهان تابعیت آن است، شناخت کامل و کافی به دست آورد. به عبارت دیگر، «قانون‌گذار این شرط را نشانه‌ای از علاقه شخص به سرزمین و مردم ایران دانسته است» (مکرمی، ۱۳۷۴، ص ۹۴). با این حال، طبق ماده ۹۸۰ ق.م. کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند، مانند اطبا، دانشمندان، متخصصان و همچنین، خارجیانی که اهل و عیال ایرانی دارند، یا مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه دارند، مشروط بر اینکه تقاضای تابعیت ایران را کرده باشند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند، بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند. البته در این مورد مدت اقامت در خارج برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

مواردی که در این ماده مبهم است یکی اینکه ملاک عمل برای تشخیص مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه چه چیزهایی است و چگونه می‌توان تشخیص داد متقاضی، متخصص امور عام‌المنفعه است و اینکه مبهم است منظور از کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند، چیست (کریمی یگانه، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲).

ابهام دیگر این ماده این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند واژه متناوب به چه معناست. به عبارت دیگر، این سؤال مطرح می‌شود که یک خارجی چه مدت باید در ایران اقامت داشته باشد، تا بتوان گفت شرط پنج سال متناوب عملی شده است. عدم وضوح در این مورد می‌تواند باعث سوءاستفاده شود، همان‌طور که فردی این مدت پنج سال را در طول سالیان بسیار دراز مثلاً ده سال یا بیست سال محقق کند. به همین دلیل بهتر بود که قانون‌گذار ایران نیز مانند قانون کانادا تعداد روزهایی معین برای شرط اقامت بیان می‌کرد تا از هرگونه تفسیر اشتباه جلوگیری شود. می‌توان این ابهام را این‌طور رفع کرد که مقرر شود اقامت پنج سال متناوب باید ظرف هفت سال از تاریخ درخواست تقاضای تابعیت باشد.

تمکن مالی یا شغل معین. اصولاً کشورها به افرادی تابعیت اعطا می‌کنند که امکانات کافی یا

شغلی مناسب برای امرار معاش داشته باشند و فقط به امکانات عمومی‌ای که هر دولتی در اختیار اتباع خود قرار داده است، اکتفا نکنند، به عبارت دیگر، افرادی به تابعیت پذیرفته شوند که یار شاطر باشند، نه بار خاطر. بند ۲ ماده ۹۸۳ ق.م. مقرر می‌کند متقاضی باید «تصدیق‌نامه نظمیه دایر به ... داشتن مکنت مالی یا شغل معین برای تأمین معاش ...» را نیز به وزارت امور خارجه تقدیم کند. شاید بهتر بود این شرط را نیز قانون‌گذار در ماده ۹۷۹ ق.م. و جزء شرایط اصلی تحصیل تابعیت قرار می‌داد. زیرا اهمیت تمکن مالی و داشتن ثروت زیاد یا کار برای امرار معاش اگر بیشتر از فراری بودن از خدمت نظام نباشد، کمتر از آن نیست.

انجام‌دادن خدمت نظام وظیفه. در بند ۳ ماده ۹۷۹ ق.م. قانون‌گذار ایرانی یکی از شرایط تحصیل تابعیت ایران را انجام‌دادن خدمت نظام وظیفه^۱ قرار داده و مقرر کرده است فرد متقاضی تحصیل تابعیت در ایران نیز نباید از خدمت نظامی در کشور متبوع خود فراری باشد، بلکه یا باید خدمت خود را انجام داده باشد، یا اینکه برابر قانون کشور خود از انجام‌دادن خدمت سربازی معاف باشد، در غیر این صورت، شخصی که از خدمت نظام وظیفه حسب مقررات و قوانین دولت متبوع خود فرار کرده و از آن تخلف کرده است، لیاقت و شایستگی ورود به جامعه ایرانی و تحصیل تابعیت ایران را ندارد. شاید بیان این موضوع در بند ۳ ماده ۹۷۹ ق.م. به دلیل مقتضیات آن زمان و اهمیت بیش از حد دولت پهلوی اول به قدرت نظامی و ارتش، و داشتن نیروهای رزمنده و جنگ‌جوی فراوان بود و اینکه به هر حال کسی که به این ترتیب تابعیت ایرانی را کسب می‌کند باید آمادگی لازم برای دفاع از سرزمین ایران را داشته باشد. همان‌طور که گذرانیدن دوره خدمت زیر پرچم نیز از همان دوره آغاز شد. در آن زمان قدرت نظامی هر کشور بسته به آمادگی جسمانی

۱. اصطلاح خدمت نظامی در ماده یادشده، اصطلاحی مبهم است، زیرا ممکن است به ذهن متبادر شود که منظور، افرادی است که به صورت رسمی به خدمت نظام درآمده‌اند و سربازان و کسانی را که در نیروی انتظامی به عنوان سرباز مشغول خدمتند، شامل نشود. واقعیت آن است که منظور قانون‌گذار شامل همه کسانی می‌شود که به عنوان سرباز محسوب می‌شوند، چه در نیروی انتظامی، یا ارتش و سپاه، یا هر جای دیگری در حال خدمت وظیفه باشند (آل کجیاف، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

سربازان آن بود، اما در حال حاضر دیگر آن نیاز سنتی به حضور فیزیکی در میدان نبرد و جنگ تن‌به‌تن وجود ندارد، زیرا سربازان جای خود را به سلاح‌های نظامی قدرتمند و دوربرد داده‌اند. وانگهی با توجه به روند غالبی که در کشورهای دیگر وجود دارد و نظام وظیفه اجباری به شکل مرسوم در ایران جای خود را به ارتش‌های حرفه‌ای داده است، اگر در کشور متبوع متقاضی، چنین ترتیباتی وجود نداشته باشد و شخص متقاضی صلاحیت‌های دیگر مورد نیاز را داشته باشد، آیا باید او را از این حق محروم کرد؟! بنابراین، به نظر می‌رسد دیگر نیاز به وجود این شرط به عنوان یکی از چهار شرط اصلی تحصیل تابعیت ایران نباشد. دیگر لزومی ندارد فردی که خواهان ایرانی شدن است ضرورتاً خدمت نظام وظیفه را انجام داده باشد، یا می‌توان در صورت دارا بودن سایر شرایط، وی را ملزم کرد پس از اخذ تابعیت در دوره‌های آمادگی دفاعی که توسط دولت برگزار می‌شود، شرکت کند.

عدم محکومیت به جنحه مهم یا جرایم غیرسیاسی. مسلم است هر کشوری شخصی را به عنوان تبعه خود می‌پذیرد که برای آن کشور مشکل ساز نباشد، هیچ کشوری به یک شخص جانی که صلاحیت اخلاقی ندارد، تابعیت اعطا نمی‌کند، ولو اینکه آن شخص تمول کافی داشته باشد، یا اینکه چند سال هم در ایران سکونت داشته باشد، این موارد دلیلی بر اعطای تابعیت نیست (آل کجباغ، ۱۳۹۱، ص ۸۲). قانون‌گذار ایرانی، مرتکب جرایم کیفری را صالح به اخذ تابعیت ایران نمی‌داند، زیرا پذیرش چنین فردی مخاطره‌های زیادی برای کشور و اتباع آن همراه دارد. بر اساس این ماده متقاضی نباید مرتکب جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی شده باشد. جنحه به معنی جرم ساده و سبک است و در قانون مجازات عمومی سابق، حبس جنحه‌ای مجازاتی بود که حداقل آن ۶۱ روز و حداکثر آن سه سال بود و جنایت نیز به موجب ماده ۷ همان قانون، عبارت بود از جرمی که مجازات آن اعدام، حبس ابد، حبس جنایی درجه یک برای حداقل سه سال و حداکثر ۱۵ سال، و حبس جنایی درجه ۲ برای حداقل دو سال و حداکثر ۱۰ سال معین شده بود. در حال حاضر به موجب ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌هایی که برای جرایم پیش‌بینی شده است، عبارت‌اند از حد، قصاص، دیه و تعزیر که به جز حبس ابد، حبس‌های دیگر

همه تعزیری‌اند. در نتیجه با توجه به تغییرات بسیاری که در قانون مجازات اسلامی وارد شده است، اساساً دیگر حرفی از جنحه و جنایت مطرح نمی‌شود و مشخص نیست در حال حاضر چه جرایمی مشمول این بند می‌شود. با مراجعه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و تغییراتی که در تقسیم‌بندی جرایم و مجازات‌ها اعمال شده است، می‌توان نتیجه گرفت در قانون فعلی حبس جنحه‌ای معادل تعزیر درجه‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ است. به همین صورت حبس جنایی درجه یک معادل تعزیر درجه‌های ۳، ۴ و ۵ و حبس جنایی درجه دو معادل تعزیر درجات ۴ و ۵ است. لذا انتظار می‌رود قانون‌گذار در جهت اصلاح این بند برآید تا ابهام را درباره سابقه کیفری متقاضی تابعیت برطرف کند.

مشخص نیست که آیا این ممنوعیت شامل متهمان به جرایم کیفری قبل از صدور محکومیت کیفری می‌شود یا خیر؟ همچنین، استثنای جرایم سیاسی به دلیل آنکه ماهیت متنوع و نسبی در حاکمیت‌ها و ساختارهای متعدد حقوقی - سیاسی کشورها دارد و تعریف واحد و هماهنگی ندارد تا بتوان آن را معین کرد، به علاوه آنکه محکومیت به جرایم سیاسی همیشه به معنی نفی حقانیت و پیام و شعار یک مجرم سیاسی نیست، بلکه این امر باید تحت اوضاع و احوال خاص هر موضوعی بررسی و مطالعه شود (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱).

موافقت هیئت دولت. در بخش پایانی ماده ۹۸۰ ق.م. قانون‌گذار ایرانی علاوه بر آنکه شروط یادشده را برای متقاضی لازم می‌داند، اضافه می‌کند «در صورتی که دولت ورود آن‌ها را به تابعیت ایران صلاح تشخیص دهد... با تصویب هیئت وزرا به تبعیت ایران قبول شوند». بنابراین، اگر کسی همه شرایط قبلی را داشته باشد اما هیئت دولت با اعطای تابعیت به شخص یادشده موافقت نکند وی نمی‌تواند تابعیت جمهوری اسلامی ایران را تحصیل کند (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲). اگر دولت ایران صلاح بداند که موافقت با تقاضای برخی بیگانگان می‌تواند به مخاطره‌افتادن حاکمیت سیاسی ایران منجر شود، تقاضای تحصیل تابعیت آنان پذیرفته نمی‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۴، ص ۶۰). اعطای تابعیت امری مربوط به حاکمیت هر دولت است و هر دولتی در این امر اختیار تام و کامل دارد و این تصمیم دولت قابل اعتراض و شکایت نیست.

تشریفات دریافت تابعیت جمهوری اسلامی ایران

تشریفات دریافت تابعیت جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده ۹۸۳ ق.م. عبارت است از: تقدیم درخواست تابعیت از سوی درخواست‌کننده به وزارت امور خارجه؛ به‌طور مستقیم، از طریق ولات (استانداران) و از طریق حکام (فرمانداران). درخواست باید شامل این مدارک باشد: الف) گواهی اسناد هویت تقاضاکننده، همسر و فرزندان؛ ب) گواهی نظمی (نیروی انتظامی) مبنی بر تعیین مدت اقامت تقاضاکننده در ایران، عدم سوء پیشینه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین هزینه زندگی.

ماده ۲ اصلاحی نظام‌نامه تابعیت^۱ بیان می‌کند: برگه‌های درخواست‌نامه ورود به تابعیت دولت ایران که طبق ماده‌های ۹۷۹ و ۹۸۳ قانون تنظیم می‌شوند باید یکهزار و پانصد ریال تمبر داشته باشد، با مدارک زیر به وزارت امور خارجه تقدیم شود: هشت قطعه عکس؛ دو نسخه رونوشت مبنی بر تعیین اسناد هویت درخواست‌کننده، همسر و فرزندان خردسال او که نشان‌دهنده هویت و ویژگی‌های شخصی وی، همسر و فرزندان خردسال او باشد؛ گواهی وزارت کار مبنی بر اینکه درخواست‌کننده می‌تواند با توجه به تجربه‌ها و دانش خود، خدماتی مفید را از لحاظ امور فنی و تخصصی و مانند آن - که مورد نیاز کشور است انجام دهد؛^۲ گواهی مقامات انتظامی مبنی بر شایستگی تقاضاکننده و تأیید صلاحیت او برای دریافت تابعیت ایران؛ موافقت وزارت کشور به استناد گواهی اداره شهربانی کل کشور مشتمل بر: الف) تعیین مدت اقامت درخواست‌کننده؛ ب) نداشتن محکومیت جنحه و جنایت غیرسیاسی؛ ج) تعیین میزان دارایی متناسب یا شغل

۱. به موجب تصویب‌نامه شماره ۲۱۸۷۶ مورخ ۱۳۴۰/۷/۱۹.
 ۲. البته به موجب تصویب‌نامه ۴۲/۹/۱۷ هیئت وزیران، تبصره‌ای به تصویب‌نامه یادشده منضم شد که بر اساس آن اتباع بیگانه تا تاریخ تصویب این تصویب‌نامه، بنا به تشخیص وزارت کار، سابقه اقامت طولانی و اشتغال به کار در ایران دارند و نیز کسانی که عیال و اولاد ایرانی دارند و تقاضای تحصیل تابعیت دولت ایران را می‌کنند، در صورت احراز سایر شرایط در قانون و موافقت مراجع صلاحیت‌دار، از مقررات بند سه (بند یادشده) تصویب‌نامه مورخ ۴۰/۷/۱۹ معاف خواهند بود.

درخواست‌کننده که باید به اندازه‌ای باشد که زندگی او و خانواده‌اش را در ایران تأمین کند؛ گواهی وزارت کشور مبنی بر اینکه درخواست‌کننده، مراسم سوگند را که حاکی از وفاداری نسبت به قانون اساسی ایران است، اجرا کرده است؛ گواهی وزارت کشور مبنی بر اینکه درخواست‌کننده به زبان فارسی، تاریخ و قانون اساسی ایران آشنایی دارد؛ درخواست‌کننده باید مواد یادشده در ماده هفت را در کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت دادگستری، کشور و فرهنگ امتحان بدهد.

به موجب ماده سوم نظام‌نامه، وزارت امور خارجه پس از مطالعه برگه‌های یادشده، در صورتی که درخواست‌کننده را واجد شرایط تشخیص دهد، پیشنهاد آن را به هیئت وزیران تقدیم می‌کند. اگر پیشنهاد یادشده پذیرفته شود، سند تابعیت درباره درخواست‌کننده صادر می‌شود. کارمندان ثبت احوال با مشاهده سند تابعیت و رعایت مقررات، برای صاحب سند، همسر و فرزندان او که اسامی آنان پشت سند تابعیت درج شده است، با رعایت مواد ۹۸۴ و ۹۸۵ قانون مدنی، برگه هویت صادر و تاریخ و شماره سند تابعیت را در برگه‌های سجلی مربوط، ثبت خواهند کرد (ماده ۴ نظام‌نامه) (کریمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۲۷-۲۲۶).

کسی که درخواست تابعیت می‌کند ممکن است تابعیت کشور دیگر را داشته باشد، یا آن را از دست دهد و بدون تابعیت باشد، در هر صورت قانون‌گذار موافقت با درخواست وی را منوط به نداشتن تابعیت کشور دیگر نکرده است، بنابراین می‌توان گفت، این موافقت بدون در نظر گرفتن تابعیت پیشین وی انجام می‌گیرد و در آن تابعیت بی‌تأثیر است، مگر آنکه دولت ایران و دولت متبوع وی در این زمینه عهدنامه‌ای باشد که در این حالت دولت ایران باید در موافقت با درخواست او تعهدهای خود را، که در آن عهدنامه پیش‌بینی شده است، مراعات کند (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۸۸).

یکی از مواردی که در قانون تابعیت و نظام‌نامه آن مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، مسئله سلامت و بهداشت فرد متقاضی کسب تابعیت است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار محترم به این موضوع که می‌تواند بعدها زمینه‌ساز ایجاد مشکلاتی برای ایرانیان دیگر نیز شود، دقت کافی مبذول نداشته و هیچ شرطی را درباره وضعیت سلامت و بهداشت متقاضیان در قانون یا نظام‌نامه تابعیت قید نکرده است. لازم به تذکر نیست که چشم‌پوشی از این امر مهم، می‌تواند چه خطرهایی را

متوجه جامعه ایرانی کند و برنامه‌های سلامت جمعی را که با صرف هزینه‌های سنگین در کشور اجرا می‌شوند، بی‌فایده و بی‌اثر کند. بی‌توجهی به این مسئله باری سنگین بر دوش کشور می‌گذارد تا مخارج درمان و نگهداری آن‌ها را پرداخت کند و درآمد مملکت را صرف بیمه‌های درمانی و پرداخت یارانه کند. اما این مسئله جنبه مهم‌تری نیز دارد و آن این است که این افراد وارد جامعه ایرانی می‌شوند و با افراد دیگر ارتباط برقرار می‌کنند. چه بسا این افراد همسر از میان زنان ایرانی برگزینند و باعث انتشار بیماری و آلودگی هم به زنان و هم بعدها به فرزندان حاصل از این ازدواج بشوند و هزینه‌های سنگینی را به بودجه بهداشتی و درمانی کشور تحمیل کنند.

کشورهای باسابقه در امر اعطای تابعیت اکتسابی، هیچ‌گاه این مسئله را از یاد نبرده‌اند و همیشه به آن نظری خاص داشته‌اند، تا ضمن حفظ سلامتی اتباع خود، از صرف هزینه‌هایی که بعداً برای درمان آن‌ها خرج شود، جلوگیری کنند. می‌توان این مسئولیت مهم را به وزارت کشور محول کرد، به این نحو که وزارت کشور پزشکان معتمد خود را در همه نقاط کشور تأمین کند تا اشخاصی که تقاضای تابعیت کرده‌اند، جهت تعیین وضعیت سلامت جسمی و روحی خود به آن‌ها ارجاع داده شوند و در صورت احراز سلامت به این افراد، گواهی سلامت داده شود و این گواهی جزء مدارک لازم برای اعطای تابعیت باشد.

به علاوه، ممکن است در سراسر جهان افرادی باشند که به ایران علاقه‌مند باشند و در طول عمر خود تحقیقات و مطالعاتی فراوان برای شناسایی فرهنگ و تمدن ایرانی انجام داده باشند، یا اشخاصی باشند که در جهت منافع ملی ایران خدمات شایانی انجام داده باشند و در این راه سختی‌ها و مرارت‌های زیادی کشیده باشند، لذا می‌توان به این افراد به عنوان پاداش، تابعیت افتخاری اعطا کرد. تابعیت افتخاری تابعیتی است که دولت‌ها به‌طور استثنایی و در مواد خاص به برخی افراد و به دلیل خدمات شایسته یا ویژگی‌های خاص آن‌ها اعطا می‌کند. کشورهای آمریکا و کانادا در مواردی زیاد به این امر اقدام کرده‌اند. می‌توان در این زمینه نهاد یا ارگانی را مأمور شناسایی این افراد کرد. درباره دستة نخست، این مأموریت می‌تواند به عهده فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشد که با تحقیق و بررسی در این زمینه نامزدهای مناسب را شناسایی کرد و به

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه پیشنهاد دهد. پس از تأیید وزارت‌های مربوطه می‌توان با تصویب هیئت وزیران به فرد مورد نظر تابعیت ایرانی اعطا کرد. دربارهٔ دستهٔ دوم، کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت امور خارجه و اطلاعات، نامزدهای واجد صلاحیت را به هیئت وزیران معرفی و هیئت وزیران تابعیت ایرانی را به آن‌ها اعطا خواهد کرد.

آثار تحصیل تابعیت

تحصیل تابعیت برای کسی که این عنوان به وی اعطا می‌شود حقوق و مسئولیت‌هایی را در پی دارد. در ادامه، آثار این تابعیت را در قوانین دولت‌های مورد مطالعه و قانون ایران بررسی می‌کنیم.

آثار تحصیل تابعیت کانادا

در این زمینه ابتدا باید مفاهیم اقامت دائم^۱ و تابعیت^۲ کشور کانادا متمایز کنیم. اقامت دائم کانادا به وضعیتی گفته می‌شود که تبعهٔ یک کشور خارجی (نسبت به کانادا) اجازه دارد تحت شرایطی خاص در کشور کانادا زندگی، تحصیل و کار کند. در حال حاضر، افرادی که دارای اقامت دائم کانادا هستند، کارتی به نام مقیم دائم دریافت می‌کنند که آن‌ها را هنگام ورود به کانادا از گرفتن ویزا بی‌نیاز می‌کند. در مقابل، تابعیت کانادا به معنای آن است که شخص کانادایی است.

شخصی که به وی تابعیت اکتسابی کانادا اعطا می‌شود، از حقوق منحصر به اتباع اصلی کانادا اعم از حق اقامت و ورود به و خروج از کانادا، حق شرکت و رأی‌دادن و نامزدشدن در انتخابات فدرال یا استانی یا ایالتی و حق استخدام در پاره‌ای کارهای خاص برخوردار خواهد شد. بنابراین، شخصی که اقامت دائم کانادا را داشته باشد هیچ محدودیت سیاسی، حقوقی و اجتماعی و غیره نخواهد داشت و عیناً مانند یک تبعه و شهروند کانادا از همهٔ حقوق و امتیازات بهره‌مند می‌شود (غفاریون اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۸۸).

طبق اصل ۲۳ قانون اساسی کانادا مصوب ۱۸۶۷ یک سناتور باید از اتباع متولد کشور باشد، یا

1. Permanent Resident
2. Citizenship

به موجب قانون مصوب پارلمان به وی اعطای تابعیت شده باشد. بنابراین، لزومی ندارد متقاضی نمایندگی در مجلس سنا، حتماً متولد خاک کانادا باشد. همین که طبق قوانین به او تابعیت کانادایی اعطا شده باشد، کفایت می‌کند.

حال اگر متقاضی تابعیت، این وضعیت را به طریق متقابله تحصیل کرده باشد، امکان سلب تابعیت اعطایی به وی وجود دارد. یکی از مواردی که طبق قانون کانادا می‌تواند نشان‌دهنده تقلب باشد، این است که فرد متقاضی به طور مستقیم یا غیرمستقیم حقایق موجود را غلط جلوه دهد، یا آنکه آن‌ها را کتمان کند و بدین وسیله در اجرای قانون تابعیت اخلاص ایجاد کند.

در صورتی که دارندگان تابعیت اکتسابی پس از پذیرفته شدن تابعیت کانادایی آن‌ها، اگر در صدد تحصیل و کسب تابعیت کشور دیگری باشند، وزیر می‌تواند به تشخیص خود، دستور توقف تابعیت کانادایی آن‌ها را صادر کند (غفاریون اصفهانی، ۱۳۸۹، ص ۷۱).

آثار تحصیل تابعیت ایالات متحده آمریکا

حقوق ناشی از تابعیت آمریکایی عبارت‌اند از: حق رأی؛ آوردن آسان‌تر اعضای خانواده به ایالات متحده؛ نوزادان شهروندان هم تبدیل به شهروند می‌شوند؛ دسترسی به نظام آموزش عالی ایالات متحده؛ امکان یافتن شغل‌های فدرال بیشتر؛ حق کاندید شدن در انتخابات؛ دسترسی به نظام بهداشت و درمان ایالات متحده. در مقابل، تابعیت آمریکایی چندین مسئولیت به همراه دارد. همه شهروندان آمریکایی که تابعیت این کشور به آن‌ها اعطا شده است، باید سوگند وفاداری یاد کنند. آن‌ها باید سوگند یاد کنند که از قانون اساسی و قوانین دیگر ایالات متحده حمایت و دفاع کنند؛ در هنگام نیاز به ایالات متحده خدمت کنند؛ همچنین، ممکن است از شهروندان آمریکایی درخواست شود به عنوان هیئت منصفه خدمت کنند. شهروندان مذکور آمریکایی بین سنین ۱۸ و ۲۵ سال باید در خدمت داوطلبانه نظام، که به ارتش ذخیره ایالات متحده نیز مشهور است، ثبت‌نام کنند؛ شهروندان آمریکایی همچنین، به پرداخت همه مالیات‌های ایالتی و فدرال موظف‌اند. کسانی که موفق به کسب تابعیت آمریکا می‌شوند، همان حقوق و مزایای شهروندان اصیل آمریکایی را دارند، به غیر از یک مورد و آن تصدی پست ریاست جمهوری است. قانون اساسی آمریکا اعلام

می‌کند فردی که آمریکایی‌الصل باشد و به مدت ۱۴ سال در آمریکا اقامت داشته باشد، می‌تواند به سمت رئیس جمهوری ایالات متحده منصوب شود. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مقرر می‌کند همه اعضای مجلس نمایندگان آمریکا و سناتورها برای پذیرش این مشاغل باید به ترتیب، هفت و نه سال شهروند بوده باشند. اکثر ایالات قوانین مشابهی دارند: برای مثال ایالت کالیفرنیا بیان می‌کند قانون‌گذاران باید به مدت سه سال و فرماندار به مدت ۵ سال برای تصدی این مناصب شهروند باشند (U.S Constitution, 1787, Sec 2).

آثار تحصیل تابعیت ایران

زن و اولاد صغیر کسانی که به‌طور ارادی تابعیت ایران را تحصیل نمایند به‌طور قهری و خودکار از تابعیت ایران بهره‌مند خواهند شد. در این زمینه ماده ۹۸۴ قانون مدنی چنین مقرر می‌کند: «زن و اولاد صغیر کسانی که برطبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می‌نمایند، تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند.....».

شایان ذکر است که اشخاص یادشده حتی اگر خود نخواهند، تابعیت ایران بر آنان تحمیل خواهد شد. از آن موضوع با عنوان «اثر تبعی کسب تابعیت ایران» یاد می‌شود، اما اشخاص یادشده می‌توانند از نهاد رد تابعیت استفاده کنند و به تابعیت اولیه خود رجوع کنند.

شایان ذکر است قانون‌گذار ایرانی درباره تأثیری که تحصیل تابعیت ایرانی توسط زن خارجی بر تابعیت شوهر، یا فرزندان زن ممکن است داشته باشد، ساکت است. گروهی این امر را اماره‌ای بر درستی این اعتقاد می‌دانند که قانون‌گذار به زن شوهردار خارجی اجازه نمی‌دهد به‌تنهایی متقاضی کسب تابعیت ایران شود. در هر حال، به نظر می‌رسد قانون مدنی به پیروی از این اندیشه خود که تابعیت مادر را در تعیین تابعیت فرزندان، همسنگ تابعیت پدر شناخته، تابعیت اکتسابی او را نیز در تغییر تابعیت آن‌ها مؤثر ندانسته است. بدیهی است که اثر تبعی تابعیت درباره اشخاص کبیر اعمال نخواهد شد. همان‌طور که ماده ۹۸۵ قانون مدنی نیز به‌وضوح چنین مقرر می‌کند: «تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچ وجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن ۱۸ سال تمام رسیده‌اند، مؤثر نمی‌باشد».

به نظر می‌رسد اعطانکردن هیچ تسهیلات و امتیازی به فرزندان بالغ شخصی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد، منصفانه نیست و با رویکرد کنونی دولت‌ها و معاهدات بین‌المللی مربوط به تابعیت ناسازگار است (عزیزی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۱).

درباره آثار تابعیت بر خود شخص متقاضی، ماده ۹۸۲ ق.م. اصلاحی آبان ماه ۱۳۷۰ مقرر می‌کند: «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایران نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، بهره‌مند می‌شوند، لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند:

- ریاست جمهوری و معاونان او؛
- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه؛
- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری؛
- عضویت در مجلس شورای اسلامی؛
- عضویت در شوراهای استان و شهرستان و شهر؛
- استخدام در وزارت امور خارجه و احراز هرگونه پست یا مأموریت سیاسی؛
- قضاوت؛
- عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی؛
- تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی».

این ماده از جمله موادی است که در زمان اصلاحات قانون مدنی سال‌های ۶۱ و ۷۰ بارها تجدیدنظر شد و هر بار موارد دیگری به آن اضافه شده است.^۱ به نظر می‌رسد درباره حقوق اشخاصی که به تبعیت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته می‌شوند، اختلاف نظرهای بسیاری وجود داشته است. شاید این مسئله به دلیل حساسیتی باشد که در این زمینه وجود داشته است و سعی قانون‌گذار این بوده است تا به حد امکان، موقعیت تصدی مشاغل مهم را از افراد تازه تبعه دریغ کنند و این شاید ناشی از عدم اطمینانی باشد که نسبت به اغراض و

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به (نایینی، ۱۳۸۶).

نیات این افراد وجود داشته است. لیکن این استدلال و استدلال‌ها مشابه این برای محدود کردن این دسته افراد تا این سطح نمی‌تواند پذیرفته شود.

صحیح است تابعیت این افراد، اصلی نیست و بعداً با اراده خود آن‌ها و طی کردن مراحل حاصل شده است، لیکن از آغاز پذیرش تابعیت این افراد نیز مانند دیگر اتباع کشور حقوق و تکالیفی دارند. روا نیست میان این دو دسته افراد این سطح از تفاوت و تبعیض وجود داشته باشد. اگر این سطح از اختلاف حقوق نسبت به اتباع پذیرفته شده اعمال شود، دیگر چه انگیزه و علاقه‌ای برای اتباع خارجی در جهت تحصیل تابعیت ایران باقی می‌ماند؟! یکی از ویژگی‌های قانون تابعیت مناسب در زمینه مورد بحث ما، آن است که این قانون بتواند به ادغام دارندگان تابعیت اکتسابی در کشوری که تابعیت آن را کسب می‌کنند، منجر شود، به عبارت دیگر، دارندگان این نوع تابعیت نیز، به اندازه دارندگان تابعیت اصلی، کشور یادشده را متعلق به خود بدانند.

مشخص نیست موارد یادشده در ماده مزبور تمثیلی است یا حصری. هرچند ظن بر حصری بودن آن است. حال اگر موضوع از این قرار باشد و دغدغه قانون‌گذار ایرانی عدم اطمینان به دارندگان تابعیت اکتسابی برای تصدی برخی سمت‌ها و مقامات باشد، مقامات و سمت‌هایی‌اند که در این ماده وجود ندارند، اما اهمیت آن‌ها کمتر از موارد یادشده در این ماده نیست. اگر به بندهای این ماده بنگرید، می‌باید که بسیاری از این موارد به‌طور بسیار سختگیرانه و غیرمنعطف مطرح شده است. برای مثال بند ۵ این ماده درباره ممنوعیت عضویت در شوراهای استان، شهرستان و شهر است. به نظر می‌رسد شوراهای بسیاری از شهرستان‌ها و شهرها در عمل فعالیت مهم و چالش‌برانگیز، یا سیاسی انجام نمی‌دهند و حوزه فعالیت‌های آن‌ها با اهمیت و تأثیرگذار نیست. بنابراین، چه منعی دارد فردی که تازه به تبعیت ایران پذیرفته شده است بتواند به عضویت این شوراهای برگزیده شود و بتوان از تجربه‌ها و استعداد‌های او دست‌کم در سطح شهرستان و شهر بهره برد.

بند ۶ دربارهٔ احراز هرگونه پست و مأموریت سیاسی است که مشخص نکرده است منظور از مأموریت سیاسی چیست و اینکه آیا فقط افرادی که در خدمت وزارت امور خارجه‌اند، پست سیاسی دارند؟! آیا بدین دلیل که این عبارت در ادامهٔ عبارت «استخدام در وزارت امور خارجه» آورده شده است، باید به همان وزارتخانه منسوب شود.

و بند آخری که باید دربارهٔ آن صحبت کرد، بند ۷ و راجع به ممنوعیت تصدی قضاوت است. قضاوت امری حساس و مسئولیتی سنگین است و سپردن آن به هر کسی صحیح نیست. ولیکن می‌توان با تمهید شرایط و ضوابطی آن را به دیگران حتی اتباع خارجی ایرانی‌شده نیز محول کرد. برای مثال می‌توان قضاوت در سطوح پایین را به این افراد سپرد، یا اینکه دربارهٔ آن‌ها قائل به گذر مدت زمانی از زمان تابعیت آن‌ها شد و پس از انقضای آن زمان به آن‌ها وظایف قضایی سپرد.

در سال ۱۳۹۰ و در راستای تشریح محدودیت‌های ایرانیان دارای تابعیت خارجی، پیشنهادی برای اصلاح این ماده مطرح شده است. در اظهار نظر کارشناسی دربارهٔ «طرح اصلاح ماده ۹۸۲ قانون مدنی» مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸ پیشنهاد شده است لایحهٔ ماده به این شرح اصلاح شود: «هر شخصی که به هر مدت تابعیت کشور دیگری را داشته است، از تصدی هر نوع پست مدیریت سیاسی و هر نوع استخدام و به‌کارگیری در قوای سه‌گانه و سازمان‌های وابسته به آن‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی، کلیهٔ دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است، بانک مرکزی، بانک‌ها، بیمه‌های دولتی و نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری محروم خواهد بود، مگر در مورد اشخاص معین به استثنای افراد مشمول ماده (۹۸۲) که در هر مورد باید به تصویب شورای عالی امنیت ملی برسد. رؤسای دستگاه‌های موضوع این ماده مکلف به اجرای این حکم در مورد کلیهٔ کارکنان مشمول خود هستند و باید حسب مورد نسبت به بازنشستگی یا بازخرید آن‌ها اقدام نمایند»^۱.

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۶۴۵، شماره مسلسل ۲۴۰۱۲۱۹۰، شماره چاپ ۱۸۵۱، ۱۳۹۰/۱۰/۲۸.

سلب تابعیت از دارندگان تابعیت اکتسابی ایران

همان‌طور که موارد تحصیل تابعیت می‌تواند از طرق مختلف برای شخص حاصل شود، از دست دادن تابعیت نیز به طرق مختلف مانند جدا شدن قسمتی از خاک یک مملکت، مجازات، ازدواج و تقاضای شخصی و ارادی و جز آن می‌تواند محقق شود. اما قانون اساسی ایران، راه ترک تابعیت ایران را هم برای کسانی که تابعیت اصلی ایرانی را دارند و هم برای کسانی که تابعیت اکتسابی دارند، مجاز شناخته است. زیرا احترام به اصل آزادی افراد، اقتضای چنین جوازی را در بر دارد (مدنی، ۱۳۷۵، ص ۸۶).

سؤال این است که آیا سلب تابعیت از دارندگان تابعیت اکتسابی در غیر از این شرایط مجاز است یا خیر. برای مثال قانون‌گذار اساسی در ماده ۴۲ قانون اساسی، در صورت وجود شرایطی امکان سلب تابعیت ایرانی این اشخاص را پذیرفته است. سلب تابعیت به عنوان مجازات در صورتی که تابعیت اصلی باشد، مورد انتقاد است، لیکن در صورتی که تابعیت اعطایی باشد، با اصل حاکمیت و اقتدار دولت‌ها قابل تفسیر و توجیه است. در اثر اجرای مجازات ممکن است شخص تابعیت مبدأ خود را از دست بدهد و تابعیت جدید هم کسب نکند. بنابراین، سلب تابعیت به عنوان مجازات فقط هنگامی پذیرفته می‌شود که تابعیت از نوع اکتسابی بوده و زمانی پس از تولد به علتی برای شخص حاصل شده باشد. در این حالت نیز معمولاً در اثر انتفای علت اکتساب تابعیت می‌توان از شخص سلب تابعیت کرد. برای مثال در ماده ۹۸۱ سابق ق.م. قانون ایران اثبات فراری بودن از خدمت نظام وظیفه ظرف ۵ سال از تاریخ صدور سند تابعیت و نیز اثبات محکومیت شخص پذیرفته شده به تابعیت ایران به جنحه مهم یا جنایت عمومی قبل از شمول مرور زمان، را از موارد سلب تابعیت ایران قرار داده بود (ارفع‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۴۴).

به علاوه تبصره ماده ۹۸۱ انجام ندادن خدمت نظام وظیفه یا ارتکاب اعمال ضدامنیتی را در مورد اشخاص پس از تحصیل تابعیت ایران در ممالک دیگر متوقف باشند، مشمول سلب تابعیت ایرانی می‌دانست. اگر درست دقت کنیم، متوجه می‌شویم در هر یک از دو مورد اول یکی از شرایط لازم برای اکتساب تابعیت وجود نداشتند، در واقع، اعطای تابعیت بی‌جهت انجام گرفته

است و در دو مورد آخر عدم علاقه کافی و امکان سوءاستفاده از تابعیت ایران موجب سلب تابعیت از شخص بوده است. ماده ۹۸۱ یادشده طبق قانون مصوب ۱۳۶۱ اصلاح شد، سپس، به موجب ماده ۱۸ قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰ حذف شد.

در بعضی کشورها مجازات سلب تابعیت درباره انجام دادن بعضی خدمات برای یک دولت خارجی، در صورتی که بدون اجازه کشور متبوع باشد، پیش‌بینی شده است (ارفع‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۴۵).

بر اساس نظریه «تقصیر تبعه»، پس از جنگ جهانی اول، درباره جرایمی که بیان‌کننده عدم وفاداری و صداقت نسبت به شئون ملی و رژیم کشور است، مجازات سلب تابعیت مطرح شد. با وجود تلاشی که برای نفی اینگونه مجازات‌ها، به منظور جلوگیری از پیدایش افراد آپارتید بدون تابعیت - انجام گرفت، مسیر تکامل حوادث بر خلاف آن بوده است، همان‌طور که در سال‌های اخیر، قوانین برای سلب یا خلع تابعیت وضع و تدوین شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴).

در مذاکره‌های قانون اساسی، موضوع سلب تابعیت درباره تابعیت اصلی به دلیل ارتکاب جرم در زمینه ماده ۳۴ پیش‌نویس (۴۱ فعلی) مطرح شده و البته رأی نیاورده است. وقتی که این موضوع درباره تابعیت اصلی مطرح است، به طریق اولی می‌توان این موضوع را درباره تابعیت اکتسابی نیز مطرح کرد. در ماده ۴۱ فعلی هم به این نکته اشاره می‌شود که اصل بر ناممکن بودن سلب تابعیت از اتباع ایرانی است، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید، وقتی که قانون‌گذار اساسی، اخذ تابعیت کشورهای خارجی توسط اتباع خود را دلیلی برای سلب تابعیت می‌داند، به همان طریق، باید بتوان پذیرفت تابعیتی را که خود اعطا کرده است نیز بتواند سلب کند. به سلب تابعیت اکتسابی در ماده ۳۵ پیش‌نویس (ماده ۴۲ فعلی) اشاره شده است و متن پیش‌نویس متضمن یک کلمه «فقط» بوده که در جلسه حذف شده است. سؤال این است آیا منظور این بوده است که در موارد دیگر نیز ممکن است سلب تابعیت رخ دهد؟ البته یکی از اعضا این

موضوع را مطرح کرده است که متعاقباً در قانونی که درباره این اصل وضع می‌شود، می‌توان بعضی ابهامات ماده را رفع کرد که به نظر می‌رسد یکی از موارد همین مسئله باشد.^۱ شایان ذکر است اصول یادشده در بازنگری سال ۱۳۶۸ دست نخورده باقی مانده و هیچ تغییری نکرده‌اند.

درباره حذف ماده ۹۸۱ به موجب ماده ۱۸ قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ و دلایل طرفداران حذف آن در کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس عبارتهای مخبر کمیسیون به اندازه کافی گویاست: «... الان دیگر در سیستم کیفری ما مسئله جنحه اساساً نیست و مطلب دیگری که در اینجا مطرح بوده به نظرم اشاره به چنین چیزی نیاز نبوده که اگر مشخص بشود کسی که فراری است اصلاً از آغاز قانون‌گذار نسبت به آن سکوت کرده یعنی تابعیت را به کسی داده که بعد مشخص شده فراری است، می‌تواند تابعیت از او بگیرد، این در اصول و مواد دیگر هم اصل مسلمی است. اگر به خاطر فرار بوده می‌تواند تابعیت را از او بگیرد، حتی دولت ایران می‌تواند در شرایطی بدون اقامه دلیل هم تابعیت را از شخص بگیرد علی‌هذا نیازی به وجود ماده نبوده...» (نایینی، ۱۳۸۶، ص ۸۵۴).

درباره حذف ماده ۹۸۱ دو گونه استدلال وجود دارد: اول اینکه اگر فردی موفق شود با اعلام کذب، یا ارائه مدارک مجعول دال بر معافیت از خدمت نظام، یا عدم سوءپیشینه کیفری، تابعیت ایرانی را به دست آورد و بعداً در مدت پنج سال یا در مهلت مرور زمان جرایم «معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده» یا «محکوم به جنحه مهم یا جنایت عمومی است» طبیعی است دولت ایران تابعیت وی را نیز سلب خواهد کرد، زیرا اعطای تابعیت با توسل به وسایل متقلبانه انجام گرفته است و آن شخص واجد شرایط مربوطه در قانون نبوده است. همچنین، حکم مزبور غیرمزبور و غیرعادلانه نیست و مخالفتی با حقوق بین‌الملل ندارد، زیرا کشوری که تابعیت خود را به یک بیگانه اعطا کرده است اگر آن شخص برخلاف

۱. صورت مشروح مذاکره‌های مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی، اردیبهشت ۱۳۶۱، جلسه بیست‌ونهم، صفحات ۵۹۷ تا ۵۹۹، اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی.

بیعت انجام گرفته نقض عهد کند و نسبت به آن کشور خیانت و بی‌وفایی کند، توقعی جز پس گرفتن اعتمادی که به وی مبذول شده است و تابعیتی که به وی اعطا شده است، نباید داشته باشد (عنایت، ۱۳۶۴، ص ۹۰). به عبارت دیگر، این فرد از آغاز یکی از شرایط تحصیل تابعیت ایران را نداشته است، لذا صلاحیت کسب تابعیت درباره او وجود ندارد.

در مقابل، عده‌ای معتقد بودند اشخاصی که تابعیت ایرانی را کسب و در ایران اقامت گزیده باشند و مرتکب عملیات مندرج در بند الف (از تبصره ذیل) ماده ۹۸۱ ق.م. ش. شوند، بی آنکه از تابعیت ایران اخراج شوند، فقط به مجازات قانونی محکوم می‌شوند و از این نظر بین آنان و اشخاصی که تابعیت ایرانی تابعیت اصلی آن‌ها است، تفاوت نیست (دشت‌آرا، ۱۳۵۸، ص ۷۱۹). همان‌طور که از منطوق ماده مورد نظر به روشنی پیداست، قانون‌گذار مجازات سلب تابعیت را فقط برای دارندگان تابعیت اکتسابی ایران پیش‌بینی کرده بود و اتباع اصلی ایران حتی در صورت جرایم امنیتی مشمول مجازات سلب تابعیت نمی‌شدند. اما به هر حال، ماده یادشده به موجب قانون مصوب ۱۳۷۰ حذف شد. به نظر می‌رسد حذف ماده ۹۸۱ ق.م. ش. در راستای تأمین مفاد اصل ۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته است که مقرر می‌کند: «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند» (عزیزی، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

نتیجه

متأسفانه در نظام حقوق ایران، قانون مشخص و جداگانه‌ای درباره تابعیت وجود ندارد و فقط موادی از قانون مدنی به این امر اختصاص داده شده است که آن‌ها نیز حالتی نابسامان دارند. آنچه در بادی امر و از لحاظ شکل ظاهر، شایان ذکر است، این است که بهتر بود مقررات مربوط به تابعیت موضوع قانون‌گذاری خاص قرار می‌گرفت و مجلس قانون‌گذار، ضمن اصلاح نواقص و کاستی‌های این قوانین، آن را در مجموعه‌ای جدای از قانون مدنی تصویب می‌کرد. اگر نگاهی به

عملکرد کشورهای دیگر بیندازیم، رویه‌ای که اغلب کشورها اتخاذ کرده‌اند، این است که موضوع تابعیت را در قوانین اساسی یا در قوانینی مخصوص بیان کرده‌اند.^۱ از سوی دیگر، از آنجا که تابعیت از موضوع‌های حقوق عمومی است، بیان آن در قانون مدنی که حاکم بر روابط حقوق خصوصی است، شایسته نیست (نصیری، ۱۳۷۲، ص ۶۱-۶۰).

بنابراین، شایسته است این مقررات به‌طور یکجا و جداگانه در مجموعه‌ای خاص و ویژه به نام «حقوق تابعیت» گردآوری شود و با توجه به آخرین تحولات سیاسی و حقوقی در این زمینه، مورد بررسی و تصویب مجلس قرار گیرد (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

مجزای نمودن قانون تابعیت که مربوط به حقوق عمومی است و قرارگرفتن آن در کنار قوانین مدنی و حقوق خصوصی می‌تواند بر اجرا و حتی تفسیر قوانین تابعیت تأثیر گذارد و مانع کارایی آن‌ها شود. زیرا قوانین مربوط به تابعیت از قوانین آمره است و هیچ قید تخطی و شرط استثنایی بر آن‌ها اعمال نمی‌شود و باید با توجه به اصول حاکمیت دولت و در کنار دیگر قوانین عمومی اجرا و تفسیر شود.

همچنین، تحلیل مقررات ایران در زمینه مورد بحث و مقایسه آن با دو کشور مورد مطالعه نشان داد قانون ایران در این زمینه که قریب به هشتاد سال پیش تصویب شده است، با وضعیت مطلوب فاصله‌ای زیاد دارد و باید متناسب با نیازها و ضرورت‌های اصلاح و تجدیدنظر شود. نویسندگان مقاله حاضر، اصلاحات ذیل را در مواد ذیربط برای تحصیل تابعیت پیشنهاد می‌کنند:

ماده ۹۷۹ - اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند، می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

- به سن هجده سال تمام رسیده باشند.
- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند. پنج سال اقامت مزبور از زمان درخواست تقاضای تابعیت محاسبه می‌شود.
- فراری از خدمت نظامی نباشند.

۱. برای مثال ایالات متحده آمریکا قانونی خاص با عنوان قانون مهاجرت و تابعیت دارد. به همین نحو در کشور کانادا نیز قانون شهروندی تصویب شده است.

تبصره: در کشورهایی که نظام وظیفه اجباری وجود ندارد، متقاضی در صورت دارا بودن سایر شرایط، به تابعیت ایران پذیرفته می‌شود، لیکن متعاقباً باید در دوره آموزشی آمادگی دفاعی که توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برگزار می‌شود، شرکت کند.

- در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند.
- درباره فقره دوم این ماده، مدت اقامت در خارج برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

ماده ۹۸۰ - کسانی که به امور عام‌المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام‌المنفعه می‌باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می‌نمایند، در صورتی که دولت ورود آن‌ها را صلاح بداند، بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیئت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند.

ماده ۹۸۱ - به اشخاصی که برای شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانی به جهانیان خدمات شایان ذکری را انجام داده باشند، به تشخیص فرهنگستان زبان و ادب فارسی و توصیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه و تصویب هیئت وزیران، تابعیت ایرانی اعطا خواهد شد. همچنین، به اشخاصی که در جهت حفاظت از منافع ملی ایران، خدمات شایانی کرده باشند با توصیه وزارتخانه‌های امور خارجه و اطلاعات و تصویب هیئت وزیران، تابعیت ایرانی اعطا خواهد شد. اشخاص موضوع این ماده از رعایت بندهای ۲ و ۳ ماده ۹۷۹ معافند. آیین‌نامه‌های اجرایی این ماده توسط هیئت وزیران تصویب خواهد شد.

ماده ۹۸۲ - اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند، لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نایل گردند:

- ریاست جمهوری و معاونین او؛
- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه؛
- عضویت در مجلس خبرگان رهبری؛

- عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
 - وزارت و کفالت وزارت و استانداری؛
 - عضویت در مجلس شورای اسلامی؛
 - استخدام در وزارت امور خارجه و احراز هرگونه پست یا مأموریت سیاسی؛
 - قضاوت؛
- تبصره: تصدی سمت قضاوت در دادگاه‌های بدوی به تشخیص رئیس قوه قضاییه برای دارندگان تابعیت اکتسابی که از آغاز در ایران متولد شده‌اند و برای سایر دارندگان این تابعیت، پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت، ممکن است.
- عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی؛
 - تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی.
- ماده ۹۸۳ -** درخواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط استانداران یا فرمانداران به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:
- رونوشت برابر با اصل مدارک شناسایی تقاضاکننده و همسر و فرزندان او؛
 - گواهی نیروی انتظامی مبنی بر تعیین مدت اقامت تقاضاکننده در ایران و نداشتن سوءسابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تامین معاش؛
 - گواهی پزشکان معتمد وزارت کشور مبنی بر سلامت جسمی و روحی متقاضی.
- وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات مربوط به شخص تقاضاکننده را تکمیل و آن را به هیئت وزیران ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در صورت قبول شدن تقاضا، سند تابعیت به درخواست‌کننده تسلیم خواهد شد.
- ماده ۹۸۴ -** اگر ظرف مدت پنج سال از تاریخ صدور سند تابعیت، معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده، فاقد شرایط مقرر در مواد ۹۷۹ و ۹۸۳ بوده است و یا مرتکب اقداماتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی ایران شود، هیئت وزیران می‌تواند حکم خروج این قبیل افراد را از تابعیت ایران صادر کند.

منابع و مأخذ

۱. آل کجباف، حسین (۱۳۸۹)، *تابعیت در ایران و سایر کشورها*، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
۲. آل کجباف، حسین (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل خصوصی ۱*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. ابراهیمی، سیدنصرالله (۱۳۸۷)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت.
۴. اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۱)، *صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی*.
۵. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۸۲)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات بهتاب.
۶. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۵)، *اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران، انتشارات سمت.
۷. دشت آرا، (۱۳۵۸)، *پلی‌کپی حقوق بین‌الملل خصوصی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، قسمت ۱، سال تحصیلی ۵۷-۵۸.
۸. سلجوقی، محمود (۱۳۹۱)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان.
۹. شیخ‌الاسلامی، سیدمحسن (۱۳۸۴)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰. عزیزی، ستار (۱۳۹۰)، *تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل*، چاپ اول، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی‌سینا.
۱۱. عنایت، سیدحسین (۱۳۶۴)، «*بررسی قانون اصلاح موادی از قانون مدنی*»، فصل‌نامه حق، شماره اول، صفحات ۷۰-۱۰۸.
۱۲. غفاریون اصفهانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، *مطالعه تطبیقی قوانین تابعیت ایران و کانادا*، پایان‌نامه

- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم.
۱۳. کریمی یگانه، زینب (۱۳۹۱)، *بازنگری در قانون تابعیت ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۱۴. کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ اول، تهران، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۵. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۵)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، انتشارات گنج دانش.
۱۶. مکرمی، علی محمد (۱۳۷۴)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جزوه کپی، مجتمع آموزش عالی دانشگاه تهران.
۱۷. نایینی، احمدرضا (۱۳۸۶)، *مشروح مذاکرات قانون مدنی*، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۸. نصیری، محمد (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ بیست‌ونهم، تهران، انتشارات آگه.
۱۹. نظیف، مجتبی (۱۳۹۱)، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۲۰. نون‌هال، مسعود (۱۳۸۹)، *تابعیت اکتسابی در حقوق ایران و کشورهای انگلستان و آمریکا*، دانشگاه پیام نور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، استان تهران.